

## مسئولیت پذیری در رفتار ( و فرهنگ ) سیاسی

دکتر حسین رجایی روانپزشک و دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی

بخاطر تو ،

بخاطر هر چیز کوچک و

هر چیز پاک

بخاک افتادند

بیاد آر ،

عموهایت را می گویم . .

الف . بامداد

مقدمه :

موضوع مقاله و قطعه ی شعر تداعی شده از یک شاعر بزرگ معاصر، موجب فلاش بک یک خاطره ی تلخ می شود : در حدود بیست سال پیش در آمبولانسی نشسته ام .پزشک جوان مشمول طرح دو ساله اجباری خدمت درمناطق محروم هستم و با راننده که درمحترمانه ترین عبارت « یک کم شعور» می توان خواندش ،در جاده ی پارس آباد مغان پیش می رویم . پرنده های بیشمار را همگان دیده اند که برفراز جاده های بین شهری با چه سرعتی به پرواز در می آیند . آنقدر هم از شعوری که معروف به انحصار به انسانها دارد ،برخوردارند که سرعت و مسیرشان را طوری انتخاب کنند که به ماشینهای سریع درتردد، اصابت نکنند.و بالاخره یکی از کوچکترین آنها پیدایش می شود . با بالهای رنگین ،بسیار زیبا و خیلی هم ماهر در پرواز است و با تنظیمی شگرف در صدد رد کردن ماشین ماست، اما راننده ی آمبولانس ،عظمت خود را با مانوری ناگهانی به رخ او می کشد. پرنده ی بی نظیر نمی تواند تعادل خود را حفظ کند و به آمبولانس (این نماد کمک به ضعیف ترها) برخورد می کند و به سرعت سقوط می کند و می میرد!

بعدها در جاده های بین شهری و اتوبانها دقت کردم و دریافتم که برشمار آدم هایی که به واسطه ی سرعت بالای اتومبیل (خودروهایشان) ،جان خود و سرنشینان را هم به خطر می انداختند ،تا حیوانات کوچکی را که در حال عبور از عرض جاده بودند، زیر نگیرند، روز بروز افزوده می شد. از طرفی می دانیم که در سنت و عرف ایرانی هم ،زیر گرفتن آنها کفاره دارد. اما آن چیزی که در جهان توسعه یافته (از لحاظ فرهنگی) به فراوانی اتفاق می افتد را هنوز شاهد نبوده ام. اینکه نه تنها راننده ای با موفقیت توانسته باشد بدون زیر گرفتن حیوانات مزبور،از کنارشان به سرعت رد شود بلکه ،او وعده ای دیگر،به خاطر نگرانی از برخورد خودروهای بعدی به آنها ،رفتارشان را به نقطه ای تسری دهند که جاده یا اتوبان را برای نجات آنها بند بیاورند و بعد از یک راه بندان طولانی معلوم شود که انگیزه ی عاملان، مسئولیت پذیری در قبال فرودستی (1) بوده است.

## تعریف

«مسئولیت پذیری» را در کجای فرهنگ سیاسی می توان جای داد ؟ آلموند و وربا (نظریه پردازان مدرن فرهنگ سیاسی)، فرض های مفهومی پذیرفته شده درخصوص فرهنگ سیاسی را در چهار مولفه، روشن ساخته اند که اولین آنها را با عنوان « فضیلت و مسئولیت مدنی » (2) چنین توصیف کرده اند:

نظریه ی فرهنگ سیاسی ،علاقمندی سنتی علم سیاست به مضامین کهن بویژه آنچه که یونانیان فضیلت مدنی می خواندند « نوعی زندگی همبسته ، سازمان های اجتماعی و تربیت کودکان در جهت ترویج فضیلت مدنی» را درخود جذب و هضم می کند . این فرهنگ مدنی در جهان معاصر مبین ویژگی های شخصیتی دموکراتیک همچون ویژگی هایی است که هارول لاسول مشخص کرده است : برخورد گرم نسبت به مردم ، شریک شدن در ارزش ها با دیگران ، اعتماد و اطمینان به همنوع ، و رهایی از اضطراب [واگذاری ترس]. {۱}

رامین جهاننگلو، سوالی از پل ریکور (۳)، درباب مفهوم «مسئولیت» در کاربرد سیاسی دموکراسی می پرسد این محقق (ریکور) که درباره ی اندیشه های کارل یاسپرس، هانا آرنت و جان رالز، صاحب نظراست ،می گوید :

مفهوم مسئولیت مفهوم کلیدی سیاست دموکراتیک است . کتاب اصل مسئولیت (le principe responsabilite) ، اثر هانس یوناس ، در این زمینه بر من اثر بسیار زیادی گذاشت ، چون او مسئولیت را همیشه بر حسب آنچه شکننده است ، تعریف می کند ، خواه شکنندگی یک نوزاد باشد ، یا شکنندگی کره ی زمین که ممکن است نه فقط با نیروی هسته ای بلکه با آلودگی نیز نابود شود . پس شکنندگی در طبیعت است ، هم چنانکه در زندگی است و به خصوص در سیاست است که هم از هر فرد در برابر دیگران محافظت می کند و هم موجب می شود سیاست از خودش در برابر خودش ، و در برابر اشتباهات خودش محافظت کند. {۲}

---

2-Civic Virtue and Responsibility

3-Poul Ricoaur

همچنین امانوئل لویناس(4) اهل لیتوانی به سوالی از جانب رامین جهانگلو در خصوص اقتضات اخلاقی چنین پاسخ می دهد:

ما در برخورد با چهره دیگری با «بی نهایت» مواجه می شویم . چهره نشانه ی بی نهایت است .وقتی مسئولیتی را در برابر چهره دیگری برعهده داریم بشناسیم،بی نهایت سربر می آورد.به عبارت دیگر،فردی که در برخورد با دیگری می گوید «من هستم» بر بی نهایت شهادت می دهد. در درستی و صداقت این شهادت است که بی نهایت که برونی است،بدل به بی نهائیتی درونی می شود. {۳}

بازهم دکتر کوک فری (۵) ، استاد فلسفه سیاسی در پاریس در مصاحبه با رامین جهانگلو در خصوص عام گرایی (۶) می گوید:

من تصور می کنم آنچه را «حق تفاوت» می نامند، نه فقط به هیچ کاری نمی آید بلکه نوعی تحقیر نیز هست . شناسایی تفاوت فرهنگ های دیگر به عنوان تفاوت ، به عقیده من ، نوعی تحقیر است . چرا؟ برای اینکه در نهایت به معنی این است که شما از گروه دیگری هستید ، تفاوت دارید ، و ما یک نوع انسان نیستیم. و همان گونه که استعمارگران می گفتند: « این خوب نیست. ما نظر شما را تغییر میدهم » ... به عقیده ی من ، شناسایی درست تفاوت ها هنگامی است که تفاوت را به عنوان جزئی از کل مورد شناسایی قرار دهیم. در حقیقت ،یعنی اینکه بگوئیم :«شما متفاوت هستید ،اما تفاوت های شما بخشی از فرهنگ عام و جهانی است « {۴} .

### مسئولیت پذیری در قبال غیریت

در سلسله مباحث مربوط به سرنوشت مدرنیته (۷) ،پسامدرنیته (۸) و آغاز نظام و جامعه پسا صنعتی (۹) این سوال مطرح گردیده است که آیا واقعا جهان در حال گذار به یک وضعیت پسامدرن است و ویژگی های چنین جامعه ای چگونه است و چگونه باید باشد ؟

فلسفه پست مدرنیستها ( با پیشروانی از قبیل ژاک دریدا ، ژان فرانسوالیوتار ، ژان بودریار، میشل فوکو و دیگران ) در دنیای معاصر، نوید شکل گیری انواع جدیدی از رفتارها ( و خصوصا جنبش های سیاسی) را مطرح ساخته است. به طوری که ظهور و جولان جنبش های فمینیستی ( اعتقاد و دفاع از برابری و حقوق مساوی زنان با مردان ) ، جنبش های احقاق حقوق اقلیت های نژادی و مذهبی ،حرکتهای دفاع از حقوق اقلیت های جنسیتی از جمله هم جنس گرایان،جنبش حراست از محیط زیست و حمایت از حقوق حیوانات ،نشان دهنده ی ورود به دنیایی با علائم متفاوت از جوامع صد و حتی پنجاه سال پیش برآورد می شود.

4-Emanuel Levinas

5-Luc Ferry

6-Universalism

7-Modernity

8-Postmodernity

9-Post Industrial Society

واینرایت معتقد است که نهضت های اجتماعی که از دهه ۱۹۷۰ به بعد ایجاد شده اند، مواضع سنتی نهضت های دموکراتیک اجتماعی را به چالش گرفته اند و منبع بسیار مهمی برای تحول اجتماعی محسوب می شوند. {۵}

در کتاب « فوکو و امرسیاسی » می خوانیم : مساله امر اخلاقی- سیاسی بوسیله جنبشهای اجتماعی که از دهه شصت « به واقع کل زندگی ها ، ذهنیت و نگرشهای ما را تغییر داده » مطرح شده است ... [می دانیم] مشکل است که فوکو را در نقشه سیاسی که از قرن نوزدهم به ارث برده ایم جای دهیم ، زیر او تناسبی با مقوله های مارکسیستی ، آنارشیمیستی ، لیبرالیستی و از این قبیل ندارد. {۶}

از طرفی ، موضوع اصلی در سیاست فرهنگی شهروندی که جنبش های اجتماعی از آن الهام گرفتند موضوع « تفاوت » (۱۰) است. این موضوع نیز به نوبه ی خود با موضوع پسامدرن « مسئولیت در قبال غیریت » ارتباط دارد... جنبش های اجتماعی همراه با به چالش کشیدن محرومیت آن دسته از گروه های اجتماعی که با معیار سفیدپوست ، دگر جنس خواهی (۱۱) و ریاست مرد بر خانه موافق نبودند ایده شهروندی جهان شمول واحد را نیز که مربوط به یک رشته حقوق واحد برای همه شهروندان بود به چالش کشیدند. {۷}

به عبارتی ، حضور جنبش های اجتماعی جدید و خصوصا تغییر رویکردهای سیاسی آنها از توجه صرف به قدرت سیاسی ( حاکمیت و نهادهای سیاسی ) به سوی تمام اجتماع از جمله توده ها ( که بنا به اعتقاد فوکو ، قدرت در تمام عرصه های آن وجود دارد ) و اذعان فمینیست ها به این که « هر امر خصوصی سیاسی است » ، دلیلی روشن بر این مدعی است که مختصات و مولفه های جدیدی بر تارک جوامع کنونی ( حداقل در سطح جوامع مدنی ) می درخشند و از این تغییرات با عنوان « چرخش پسامدرن » (۱۲) یاد می گردد.

در خصوص جنبش فمینیستی باید گفت که ، تجربه منفی بسیاری از زنان که نتوانستند خود را با تصور نادرست [ یا کلیشه ای ] (۱۳) جنسیت « سازگار » نمایند تا اینکه « فرودست و پست بودن » (۱۴) را یک ارزش قلمداد کنند ، دیگر به عنوان یک امر کاملا شخصی در نظر گرفته نشد( که برای آن شکست فردی، آنها « به عنوان زن » مورد سرزنش واقع شوند )، بلکه بعنوان جزئی از روابط سیاسی با مردان قلمداد می شد. {۸}

- 
- 10-Difference
  - 11-Heterosexuality
  - 12- Postmodern Turn
  - 13-Stereotype
  - 14-Inferiority

و باز در مورد فمینیسم ، می دانیم که علاوه بر زمینه های مبارزاتی دیگر، میشل فوکو (۱۵) ، با ارائه طرحی از « تبدیل بدن های زنان به منبع هیستری » به مبارزه فمینیست ها با تبدیل کردن زنان به عنوان سوژه های احساساتی ، خنثی و منفعلی که باید تخته بند محدودیت های وجود بدنی و کارویژه های تولید مثل شان باشد ، کمک می کند. همچنین فوکو در این باره می گوید : قدرت واقعی جنبش زنان نه در دعوی خاص بودن سکسوالیته شان و حقوق مربوط به آن ، بل در این که به واقع از گفتمان راهبری شده درون دستگاه های سکسوالیته می گسلند نهفته است. {۹}

### زمینه ها و رویدادهای بعدی

در اواخر قرن بیستم ، تقریباً همزمان با انتشار کتاب «آیات شیطانی» توسط سلمان رشدی و حکم ارتداد و اعدام او توسط آیت الله خمینی (که منجر به زندگی مخفی رشدی به مدت ۹ سال تا سال ۱۹۹۸ گردید ) و عواقب دیگر این رویدادها {۱۰} ، مبحث « مسئولیت پذیری پسامدرن در قبال غیریت » (۱۶) بوسیله پست مدرنیستها ، محمل های جدیدتری می یابد. بعدها ، شاید وقوع و تبعات انفجارهای انتحاری یازدهم سپتامبر آمریکا از جمله لشکر کشی به افغانستان و عراق و حوادث بازداشتگاههای گوانتانامو و ابوغریب ، این موضوع را داغتر و باب تر کرده است که ، روشنگران جدید با اجتناب و احتراز از ورود به تئوریهایی همچون « ایده ی برخورد تمدن ها «ساموئل ها نتینگتون {۱۱} ، علاقمند به بحث در خصوص سهم دنیای متمدن تر در ایجاد حوادث مزبور و تشخیص مسئولیتش در قبال کسانی بود که کمتر فرهنگ یافته محسوب می شدند.

نگاه به فرهنگ جهانی به عنوان یک فرهنگ پسامدرن فرصتی برای گشایش بیشتر و « مسئولیت در قبال غیریت » فراهم می کند به طوری که تفاوت های فرهنگی به جای اینکه سرکوب و نابود شوند معتبر شناخته می شوند {۱۲}. از دیگر سو با نقد عقل مدرن و چالش با عقلانیت ابزاری (۱۷) که هر چیزی را به سطح هزینه - فایده تقلیل می دهد ، مفهوم « مسئولیت در قبال فرودستی » نیز برجسته تر می شود.

در حالی که به نظر ماکس وبر و ، بعدها ، نظریه پردازان اقتصادی ، و عده ی جنبش روشنگری در مورد آزادی به عنوان یکی از ثمرات عقلانیت توخالی بود... جان بنیگر تاریخ « جامعه اطلاعاتی » را انقلاب کنترل می داند. اما این نیز به درون مایه ی سروری که در مرد سالاری مدرن ، که در آن مردان نسبت به زنان از مزایا و حقوق نظام مند برخوردار می شوند و در « رام کردن طبیعت » با وسایل تکنولوژی دیده می شود ، سرایت می کند. وزارت منابع طبیعی کانادا با به شمارآوردن محیط زیست آفریده شده به عنوان یک «منبع » انسانی خلاصه ی کلام این برخورد را بیان می کند. {۱۳}

---

15-Michel Foucault

16-Postmodern Responsibility Toward Otherness

17-Instrumental

از طرفی ، پسا ساختارگرایی (۱۸) نشان می دهد که استراتژیهای بهنجارسازی و منع و محدودیت ، از طریق مسلم فرض کردن « طبیعی بودن » بعضی از چیزها و « جهانشمول بودن بعضی از حقا » به وجود می آیند. استفان وایت این نیروی ساخت زدا را « مسئولیت پسامدرن در قبال غیریت » می نامد. تلاش اندیشه ی مدرن برای حاکم کردن هماهنگی ، وضوح و نظم ، از نظر پست مدرنیستها تلاشی در جهت ایجاد غیریت پست (۱۹) است که پست مدرنیست ها بر علیه آن مبارزه می کنند... و این مسئله در جوهر ستیزی (۲۰) فوکو ، توجه دریدا به موضوع سرکوب هویت های دیگر از طریق تثبیت معنای ثابت ، و بحث لیوتار در مورد بی اعتبار شدن روایت های گوناگون به وسیله ی فرا روایت های مدرنیته ، آشکار است. {۱۴}

### جنبش دفاع از حقوق حیوانات در ایران

بحث فعالین حقوق حیوانات [ بطور عام ( جهانی ) ] مباحثه انگیز تر است. آنها استدلال می کنند که حقوق باید به حیوانات نیز تسری یابد ، بر این مبنا که آنها نیز در عذاب هستند. اما مشکلات آشکاری در رابطه با این استدلال وجود دارد، چراکه حیوانات برخلاف انسانها هرگز قادر به اعمال حقوق شهروندیشان ، احترام به حقوق دیگر شهروندان و انجام وظایفی که از شهروندان انتظار می رود ، نمی باشند. بنابراین منطقی به نظر می رسد از حفاظت از حیوانات و دیگر موجودات غیر بشری سخن به میان آوریم ، آن هم به عنوان یکی از « مسئولیت های شهروندان » ، نه عنوان حقوق شهروندی. {۱۵}

اما ، کم نیستند خانواده های متوسط ( و اکثرا تحصیل کرده ی ) ایرانی که در شهرهای بزرگ ، خانه و زندگی خود را با یک حیوان خانگی ( همچون سگ و گربه ) به اشتراک گذاشته اند . بنابراین اگر فرائکسیونی از اکثریت مجلس شورای اسلامی ، لایحه ممنوعیت نگهداری سگ های مونس و مجازات نگهدارندگان این حیوانات را در صحن علنی مطرح نماید ، این شائبه قوت می گیرد که هدف اصلی این نمایندگان نه مخالفت صرف اعتقادی با اختلاط این آدمیان با این موجودات در قلمروی خصوصی آنان ، بلکه با خود آن طبقه ی متوسطی است که در دهه های اخیر با سماجت عجیبی مخالفت خود را با مشی سیاسی همان اکثریت مجلس نشان داده است ، اما به عللی که از حوصله ی این نوشته خارج است ، مجال کسب اکثریت کرسی های پارلمان را نیافته است.

شکی نیست که در دین اسلام ، حقوق خدشه ناپذیری برای تمامی حیوانات در نظر گرفته شده است و موضوع حقوق مبرهن حیوانات خانگی از جمله سگ ها برای مدافعین این حیوانات زمانی راسختر می شود که اسلام تمامی دنیا و کائنات را آئینه ای از وجود خدا وند می شمارد و استدلال مدافعین در نهایت به این پرسش می انجامد که مگر می شود که مشیت الهی از آفرینش یک موجود بر زجر دادن ابدی به آن استوار باشد. البته استدلالهای بسیار زیاد دیگری نیز بر این استدلالها ، اضافه شده است که باز هم از حوصله این مقاله خارج است .

از طرفی ، طرح های ممنوعیت همراه کردن حیوانات مونس مثل سگ های خانگی اهلی در خودرو های شخصی ، بصورت متناوبی به مورد اجرا در آمده ، اما بی نتیجه و در آخر مسکوت مانده است . صاحبان ( خصوصا ) سگ ها ، همچنین در جواب برخی از احکام دینی به پیشرفت های معاصر دامپزشکی استناد می کنند که متضمن وضعیت بهینه تر بهداشتی و درمان و پیشگیری از بیماریهای واگیردار در این حیوانات کوچک بوده است ، بطوری که احکام منع کننده ، چه بسا که در زمانی پیش از تحولات مزبور صادر گشته باشند.

---

18-Post Structuralism

19-Inferior

20-Anti Essentialism

با این وضع ، تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی اخیرا خیزی برداشته و بر سه مبنای نجس بودن ، غیر بهداشتی بودن و مشکلات احتمالی انتظامی ، طرحی را پیش نویس کرده اند که در صورت تصویب ، نیروهای انتظامی ( و افراد وابسته به آنان ) قادر خواهند بود سگ های خانگی را از آپارتمان ها بیرون کشیده و ضمن جریمه و محکومیت کیفری صاحبان آپارتمان ها ، حیوانات را در طبیعت رها کنند . صاحبان این حیوانات ، به درستی اعتقاد دارند که رها شدن این حیوانات در بیابان ها یا جنگل ها به منزله کشتن آنهاست ، چرا که آنها فاقد تمهیدات زیستن در بیرون از منازل هستند و جز با همراهی انسانها ، قادر به ادامه حیات نیستند . صاحبان این حیوانات ضمنا اذعان دارند که آنها با سایر کودکان خردسال خانواده ها ، برایشان متمایز نیستند و بدون این کوچولوها ، خود نیز متحمل آسیب روانی و افسردگی واکنشی خواهند گردید.

### **نتیجه گیری**

در آینده ای که معلوم نیست که دور خواهد بود یا نزدیک ، باید ماندو دید که طبقه متوسط تحصیل کرده در ایران تا چه حد متعهد به دفاع از حقوق حیوانات خواهد ماند . آیا فرهنگ سیاسی شهروندان یکی از پایه های آن، احساس مسئولیت در قبال موجودات ضعیف تر و حاشیه ای ها ( بزعم پسامدرن ها ) است ، به آن حد از رشد و بالندگی رسیده است که برای دفاع از حق حیات این موجودات ( که از نظر عقل مدرن سود قابل اعتنایی برای آن شهروندان ندارند ) ، درروز مطرح شدن لایحه مزبور، تجمع اعتراض آمیزی در مقابل پارلمان برپاشود؟

شکی نیست که این مدافعین ، طرفداران حقوق کودکان ، زنان ، هم جنس گرایان و ... نیز می توانند باشند. اما عده ای از آن مدافعین بر این عقیده اند که در دفاع از حقوق ضعیف ها ، بهتر است از کوچک ترین و ضعیف ترین های این حلقه شروع کرد . گفته می شود که بی گناه ترین متهمین ، جدی ترین و جانانه ترین وکالت ها را در دفاع ایجاب می کنند .

## منابع :

- 1 - چیلکوت ، رونالد: نظریه های سیاست مقایسه ای ترجمه ی وحید بزرگی - علیرضا طیب .ناشر :  
موسسه خدمات فرهنگی رسا - تهران ۱۳۸۹
- ۲- جهانگللو ، رامین : نقد عقل مدرن - گفتگوهایی با اندیشمندان امروز جهان. ناشر : مجموعه سپهر  
اندیشه - تهران ۱۳۷۶
- ۳- همان
- ۴- همان
- ۵- مارش ، دیوید - استوکر ، جری : روش و نظریه در علوم سیاسی ترجمه دکتر امیر محمد حاجی یوسفی .  
ناشر : پژوهشکده مطالعات راهبردی - آبان ۱۳۹۰
- ۶- سایمونز ، جان : فوکو و امر سیاسی - ترجمه کاوه حسین زاده راد . نشر : رخداد نو - تهران ۱۳۸۸
- ۷- نش ، کیت : جامعه شناسی سیاسی معاصر - جهانی شدن ، سیاست ، قدرت . ترجمه ی محمد تقی دلفروز  
- انتشارات کویر ۱۳۹۰
- ۸- همان
- ۹- سایمونز ، جان : پیشین
- ۱۰- نش ، کیت : پیشین
- ۱۱- چیلکوت ، رونالد : پیشین
- ۱۲- نش ، کیت : پیشین
- ۱۳- لایون ، دیوید : پسامدرنیته ترجمه : محسن حکیمی انتشارات آشیان - تهران ۱۳۸۰
- ۱۴- نش ، کیت : پیشین
- ۱۵- همان